



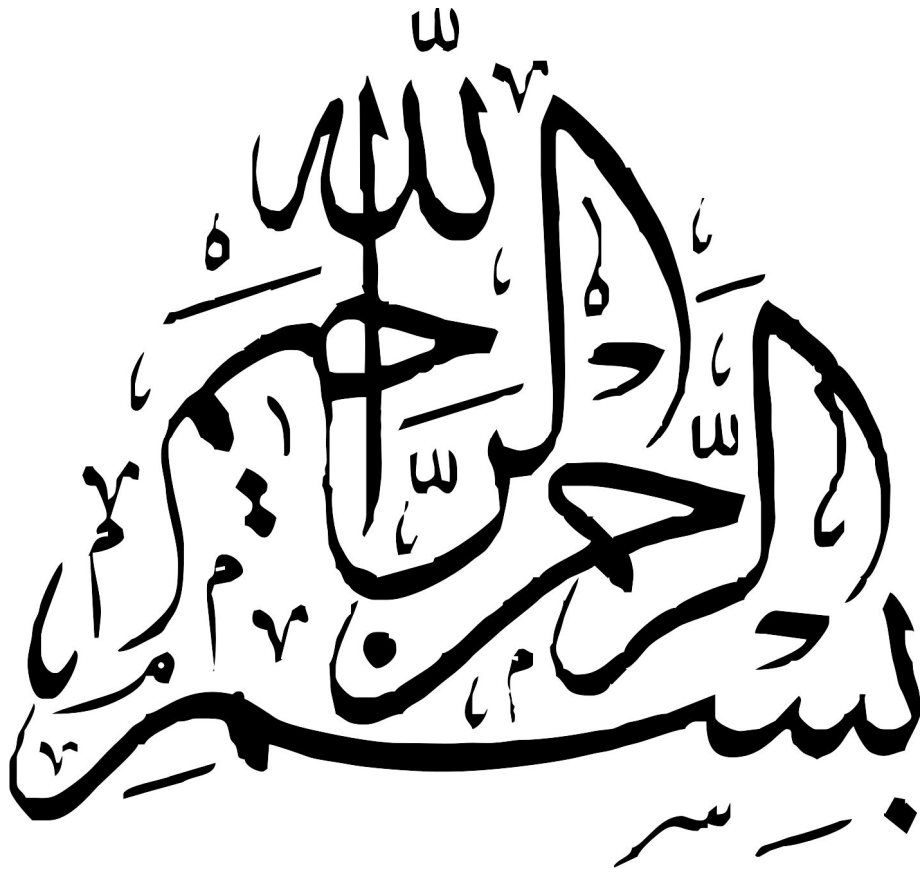
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

فرزند خواندگی در آینه قرآن

استاد راهنما : سرکار خانم لیلا ایمانی راد

مؤلف: مژگان ساجدی

مدرسه علمیه الزهراء(س) - اراك



## چکیده

سفارش اکید قرآن به حمایت از کودکان بی سرپرست دال بر اهمیت و حساسیت توجه به مساله فرزندخواندگی شده است. در جوامع مدنی، نهادهای مربوط با لحاظ یکسری شرایط و ضوابط قانونی، ارتباط بین خانواده های فرزندپذیر و فرزندخوانده را برقرار می کنند. در قرآن به سیر تاریخی فرزندخواندگی اشاره شده است تا جایی که در عصر جاهلیت، آداب و رسوم نادرستی بر آن حاکم شده بود اما با ظهور دین مقدس اسلام، پیامبر گرامی اسلام مأموریت یافت که با سنتهای نادرست فرزندخواندگی مبارزه کند و احکام واقعی آن را در جامعه پیاده کند. در برخی از آیات قرآنی احکام مرتبط با فرزندخواندگی بیان شده است و با توجه به آن می توان تفاوت بین احکام فرزند نسبی و فرزندخوانده را بدست آورد. فرزندخوانده، فرزند واقعی و حقیقی فرزندپذیران تلقی نمی شود و احکام فرزند واقعی چون محارم و ارث و مانند آن بر ایشان بار نمی شود لکن بخاطر عقد فرزندخواندگی نسبت به یکدیگر حقوقی را دارا می باشند که لازم است طرفین رعایت نمایند.

**کلید واژه ها:** فرزندخواندگی، فرزندخوانده، فرزندپذیر، کودکان بی سرپرست، قرآن

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
3	چکیده
6	مقدمه

### فصل اول: مفاهیم و کلیات فرزندخواندگی

8	01 فرزندخواندگی در لغت و اصطلاح
8	02 سابقه تاریخی فرزندخواندگی
10	03 اهمیت و ضرورت فرزندخواندگی
10	04 شرایط زوجین برای فرزندخواندگی
12	05 شرایط فرزندخوانده
12	06 آثار فرزندخواندگی
12	1-6- حضانت
13	2-6- نفقه
13	3-6- ارث
14	4-6- تعلیم و تربیت
14	07 فواید فرزندخواندگی

### فصل دوم سیر تاریخی فرزندخواندگی در قرآن

18	01 فرزند خواندگی در زمان حضرت یعقوب علیه السلام
----	---

- 18 02 فرزند خواندگی در زمان حضرت موسی علیه السلام
- 19 03 فرزند خواندگی در زمان جاهلیت
- 20 04 فرزند خواندگی در عصر اسلام
- 21 05 مبارزه با سنت جاهلی فرزند خواندگی

### فصل سوم احکام فرزند خواندگی در قرآن

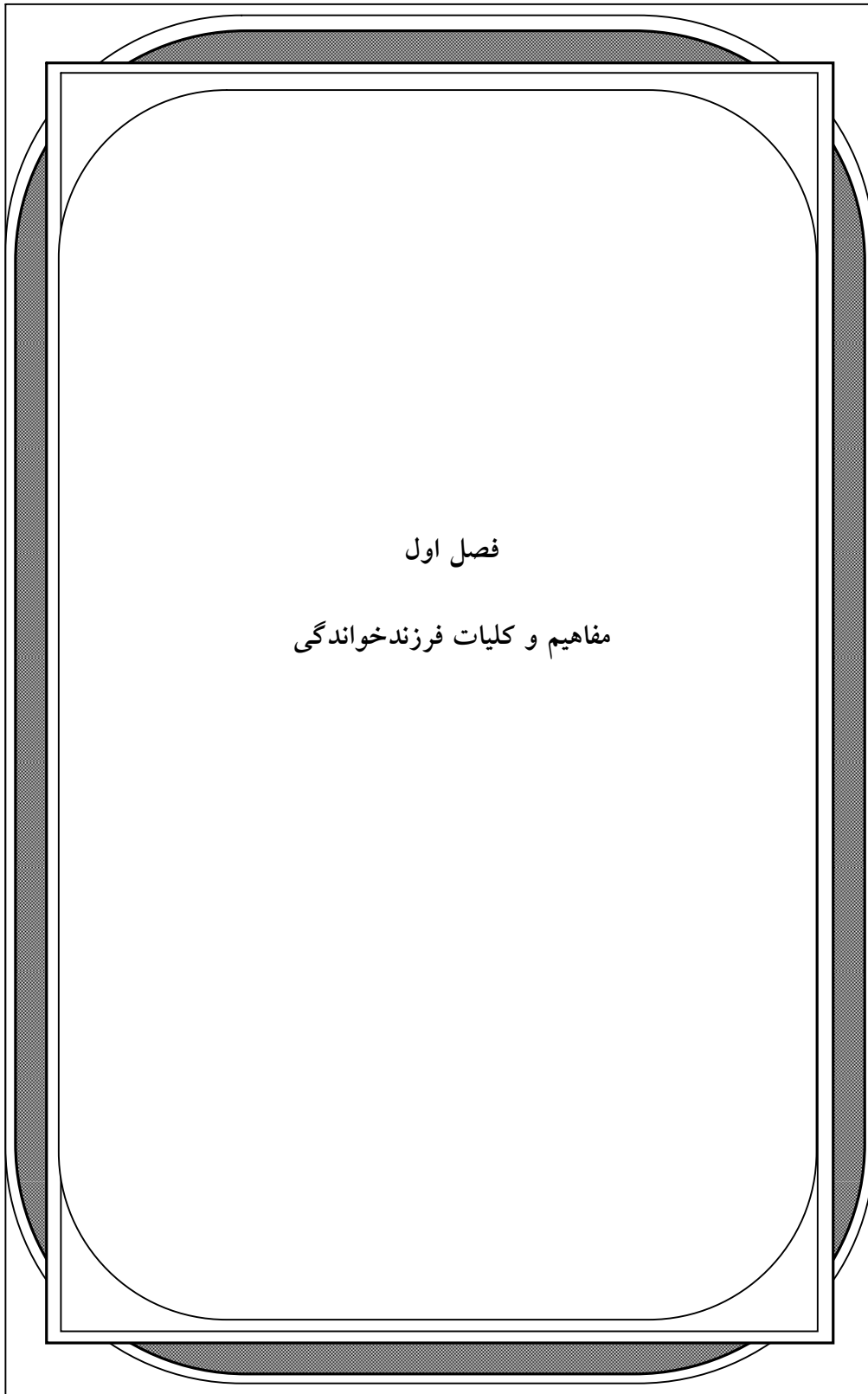
- 24 01 نهی انتساب فرزند خوانده به غیر پدرانشان
- 25 02 عدم شمول ارث برای فرزند خوانده
- 26 03 عدم حرمت نکاح پدر خوانده با همسر فرزند خوانده
- 27 04 عدم حرمت نکاح فرزند خوانده با همسر پدر خوانده
- 28 05 کیفیت محرمیت فرزند خوانده با فرزند پذیران

- 28 1-5- رضاع
- 29 2-5- صیغه نکاح

### فصل چهارم شبهات فرزند خواندگی

- 35 نتایج
- 37 منابع و مأخذ

کودکان، بزرگترین موهبت خداوند به پدران و مادران و نقطه استحکام بنیاد خانواده هستند. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. تجربه ثابت کرده است که کودک در فضای خانوادگی بهتر رشد می کند و به تکامل و تعالی می رسد. فرزندانی که در محیط خالی از عشق و دلبستگی خانوادگی تربیت و بزرگ می شوند در معرض بحران های عاطفی و روحی قرار خواهند گرفت. متأسفانه در جامعه شاهد کودکانی هستیم که کانون گرم خانوادگی آنان در اثر طلاق یا مرگ یکی از والدین یا هر دو، در اثر حوادث طبیعی مانند زلزله و تصادف و وقایع دیگر متلاشی شده است و یا به علت فرار از ثمره ی تلخ روابط نامشروع و یا به خاطر فقر شدید، کودکان معصوم و بی پناه رها می شوند. این کودکان بی گناه بر سر راه یا در اماکن عمومی و مذهبی گذاشته می شوند و از این پس هویت واقعی خود را گم می کنند که معمولاً به موسسات نگهداری کودکان بی سرپرست سپرده می شوند. پذیرش کودکان بی سرپرست به فرزندی، خواه به منظور کمک به آنان و خواه در جهت رفع نیازهای معنوی پدران و مادرانی که به هر دلیل فاقد فرزند هستند، از دیر باز در جوامع بشری معمول و مرسوم بوده است. نهاد فرزندخواندگی ضمن برقراری پیوند بین کودکان بی سرپرست و خانواده های بدون فرزند، نیازها و منافع هر دو گروه را متوازن می کند و از تحمیل بار سرپرستی کودکان به دولت جلوگیری بعمل می آورد زیرا سرپرستی از کودکانی که به جهات و علل گوناگون سرپرست خود را از دست داده اند، در درجه اول بر عهده دولتهاست و به همین سبب در بیشتر کشورهای دنیا مراکز خاص دولتی، سرپرستی و نگهداری از این کودکان را برعهده دارند. در کنار این مراکز، بعضی مؤسسات که توسط اشخاص خیر و نیکوکار تاسیس شده به این وظیفه مهم اشتغال دارند. اما بدیهی است این مؤسسات و سازمانها به رغم وجود امکانات رفاهی، نخواهند توانست جای خالی خانواده واقعی را نزد این کودکان پرکنند. به همین علت در بیشتر کشورها قوانینی به منظور حمایت و سرپرستی از این کودکان تدوین، و مقوله ای به نام فرزند خواندگی قانونی شده است.



فرزند خواندگی از نظر لغوی از فرزند خواندن گرفته شده است و به این معنی که شخصی، بیگانه ای را که با وی نسبت فرزندى ندارد، فرزند خود بخواند. معادل انگلیسی این کلمه Adoption است که به معنای قبول کردن و پذیرفتن است. (شریعتی نسب، 1390، ص 24) معادل عربی آن واژه، دعی به معنای فرزند خوانده، پسر خوانده و کسی که شخص دیگری را پدر خود می داند یا خود را از فامیل دیگری می داند و جمع آن، ادعیاء می باشد که در قرآن استعمال شده است. (افرام البستانی، 1373، ص 157) و واژه ی تبنی به معنای بچه ی کسی را به فرزندى گرفتن و پسر خواندگی است. (عمید، 1389، ج 1، ص 517) کودکی که به فرزندى پذیرفته شده است را نیز فرزندخوانده می نامند. (آریان پور کاشانی، 1381، ص 2407)

در اصطلاح، فرزند خواندگی یک نهاد حقوقی است که به واسطه ی آن رابطه ی خاصی میان زن و مرد و فرزندى که متعلق به آنها نیست؛ ایجاد می گردد. زن را مادر خوانده و مرد را پدر خوانده و فرزند را فرزند خوانده می نامند. (شریعتی نسب، 1390، ص 25) اما فرزند خواندگی از نظر حقوقی عبارت است از واگذاری سرپرستی کودکان بی سرپرست تحت سرپرستی و نظارت سازمان بهزیستی به خانواده های متقاضی که واجد شرایط قانون جاری حمایت از کودکان بی سرپرست می باشند. (عالمی طامه، 1391، ص 26)

## 02 سابقه تاریخی فرزندخواندگی

فرزندپذیری موضوعی کهن هم در عالم واقع و هم در عالم افسانه هاست. در تمام کتابهای آسمانی حداقل چند بار درباره فرزندپذیری، اهمیت آن و داستان های مرتبط با آن صحبت شده است. داستان موسی علیه السلام و فرعون شاید یکی از کهن ترین این داستان ها باشد. مطالعات جامعه شناختی نشان می دهد که فرزندپذیری در ابتدا، کارکردی مذهبی داشته است. برای بسیاری از ادیان، فرزندپذیری راهی به سوی گشودن دروازه بهشت بوده و برای برخی قبایل، پذیرش کودک دشمنان راهی برای مصالحه و آشتی و دور ماندن از تهاجم آنها بوده است. (رزاقی، 1385، ص 1-2)



فرزند خواندگی در میان ملت‌های مختلف و اقوام گوناگون گذشته از قبیل روم، یونان، ایران باستان، مصر و عربستان وجود داشته است و در میان آنان دارای اهمیت فوق العاده ای بوده است و قوانینی مثل ارث و محرمیت فرزند خوانده را شامل می شده است و علت‌های نظامی، اقتصادی، عاطفی و دینی در قوام این نهاد نقش داشته است. (عالمی طامه، 1391، ص 38)

در ایران باستان به ویژه در زمان ساسانیان فرزند خواندگی مورد پذیرش و مرسوم بوده است. زرتشتیان معتقد بودند که فرزند عنوان پل صراط را دارد و کسی که فرزند نداشته باشد قادر نیست در روز قیامت از پل صراط بگذرد. لذا کسانی که صاحب فرزند نبودند برای رفع این نقیصه و طلب آمرزش و عبور از پل صراط، فرزند بدلی برای خود انتخاب می کردند. (امامی، 1387، ص 27)

جامعه ایران، جامعه ای متنوع و همراه با گوناگونی قومی و مذهبی است. درحالی که برخی از اقوام و ادیان فرزندپذیری را در قالب انجمن های قومی مذهبی خود با رسمیت بیشتر مورد توجه قرار می دهند (برای مثال زرتشتیان، ارامنه و...) دین اسلام علیرغم توصیه های متعدد به مراقبت از کودکان و سرپرستی از ایتام به استناد آیه های چهارم و ششم سوره احزاب، فرزندخوانده را فرزند واقعی نمی شناسد، و بر این اساس فرزندخوانده جزو طبقات ارث محسوب نمی شود. در حالی که در بین زرتشتیان فرزندخوانده فرزند واقعی خانواده محسوب می شود و می تواند وارث والدین خود باشد، در دین اسلام با این فرض که فرزندخوانده فرزند نسبی والدین فرزندپذیر محسوب نمی شوند، دو برداشت تقریباً یکسان وجود دارد: یک برداشت مربوط به مسلمانان سنی مذهب است که مراقبت و سرپرستی از یک کودک بی سرپرست را تنها در قالب قیمومیت می پذیرند و برداشت مسلمانان شیعه مذهب نیز مشابه با مسلمانان سنی مذهب است، اما بسیاری از مراجع دینی شیعه با یکسری اقدامات و اعمال شرایط به ویژه در ارتباط با موضوع محرمیت، سعی در پذیرش ضمنی آن و ایجاد بستر مناسب برای فرزندپذیری توسط متقاضیان فرزندپذیر داشته اند. (رزاقی، 1385، ص 12-13)

### 103 اهمیت و ضرورت فرزندخواندگی

کودکان بزرگترین موهبت الهی به خانواده ها هستند. رشد کودک در محیط خانواده باعث تعادل روحی و جسمی می شود و نیازهای عاطفی و روانی او برآورده می شود. وجود کودکانی که به دلایل مختلف از نعمت داشتن خانواده محروم هستند و در آرزوی داشتن پدر و مادری که بر سر آنان دست نوازش بکشد و در جامعه نقش مربی و پشتیبان را برای آنان داشته باشد تا با فکری آسوده ایام را بگذرانند، از ضرورت و اهمیت پرداختن به این موضوع است. با توجه به اینکه در دین مبین اسلام به محبت کودکان بی سرپرست، سفارش اکیدی شده است، باید برای تربیت و پشتیبانی این فرزندان توسط خانواده ها، نهادی باشد که در نهایت دقت و اطمینان این افراد را با شرایط مناسب به خانواده ها بسپارد. لذا یکی از اهداف هر نظام حقوقی تمهید راهکارهایی است تا بتواند نقش مکانیسم های جبرانی و جایگزین را ایفا کرده و روابط اجتماعی را به صورتی مطلوب مدیریت نماید. در کشور ایران، قانون حمایت از کودکان بی سرپرست در 17 ماده، به بیان تشریفات و شرایط زوجین و شرایط کودک تحت سرپرستی پرداخته و مقررات و قواعد آن را بیان کرده است. نهاد فرزندخواندگی ضمن برقراری پیوند میان کودکان بی سرپرست و خانواده های بدون فرزند، نیازها و منافع هر دو گروه را متوازن می نماید.

#### 04 شرایط زوجین برای فرزند خواندگی

یکی از هدفهای ازدواج و تشکیل خانواده، تولیدمثل است. متأسفانه برخی از زوجین به دلایل گوناگون توانایی باروری ندارند و نازا هستند. این عامل موجب می شود که روابط زناشویی مختل و یا منجر به انحلال خانواده گردد. پذیرش یک کودک به فرزندخواندگی می تواند راه حل مناسبی برای حل این مشکل باشد. (استادان طرح جامع آموزش خانواده، 1380، ص 260)

در کنوانسیون حقوق کودک مواد بیست و بیست و یک، به فرزندخواندگی پرداخته شده است و از کشورهایی که سیستم فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته اند، خواسته شده است که منافع عالی کودک را در اولویت قرار دهند.

(حبیبی، 1381، ص 34) فرزند خواندگی در زمان ها و نظام های مختلف حقوقی، شرایط و آثار متفاوتی دارد. قانونگذار ایران در اسفند سال 1353 با اقتباس از قانون فرزندخواندگی در حقوق کشورهای اروپایی بخصوص کشور فرانسه، قانونی را به تصویب رساند و چون حقوق ایران (که قواعد آن بخصوص در بخش مربوط به خانواده، ارث و نکاح، برگرفته از فقه امامیه است) هرگز تاسیسی نظیر تاسیس فرزندخواندگی در نظامهای حقوقی غرب را مجاز نمی شناسد، آن را به نام قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست موسوم گرداند. در کشور ایران، قانون حمایت از کودکان بی سرپرست در 17 ماده، به بیان تشریفات و شرایط زوجین و شرایط کودک تحت سرپرستی پرداخته و مقررات و قواعد آن را بیان کرده است که بدنبال آن هر زن و شوهر مقیم ایران در صورت توافق با یکدیگر می توانند سرپرستی کودکی را بعهده بگیرند مشروط بر آنکه منافع مادی و معنوی طفل را تامین کنند. این شرایط عبارتند از:

\* پنج سال تمام از تاریخ ازدواج آنها گذشته و آنها در این مدت صاحب فرزندی نشده باشد.

\* سن یکی از آنها حداقل 30 سال تمام باشد.

\* زوجین سابقه محکومیت کیفری موثر نداشته باشد.

\* هیچ یک از زوجین محجور نباشند.

\* زوجین صلاحیت اخلاقی داشته باشند.

\* زوجین یا یکی از آنها امکان مالی برای نگهداری کودک بی سرپرست را داشته باشد.

\* هیچیک از آنان مبتلا به بیماری واگیر صعب العلاج نباشند.

\* معتاد به الکل، مواد مخدر و یا سایر اعتیادات مضر نباشد. (رزاقی، 1385، ص 3)

## 05 شرایط فرزندخوانده

طفلی که برای سرپرستی به خانواده ای سپرده می شود باید دارای شرایط زیر باشد:

\* سن کمتر از 12 سال : مبنای شرط این است که طفل خردسال آمادگی بیشتری برای انطباق با خانواده جدید دارد و پذیرش و جذب او در خانواده و ایجاد رابطه ای شبیه نسب، بین او و سرپرستانش آسانتر است.

\* معلوم نبودن یا فوت پدر و مادر و جدپداری : هیچ یک از پدر یا جدپداری یا مادر طفل شناخته نشده یا در قید حیات نباشند یا کودک از جمله کودکانی باشد که به موسسه عام المنفعه ای سپرده شده و سه سال تمام پدر یا مادر یا جدپداری او مراجعه نکرده باشند. (امامی، صفایی، 1376، ج 2، ص 28)

## 06 آثار فرزند خواندگی

بعد از لحاظ شرایط مذکور، سرپرستی اطفال ابتدا برای یک دوره ی آزمایشی 6 ماهه صادر می شود و طفل در اختیار زن و شوهر قرار می گیرد. دوره ی آزمایشی، مقدمه ی فرزندخواندگی است و آثار خاصی ندارد فقط زوجین بدون موافقت دادستان حق خروج طفل را از کشور ندارند. فرزندخواندگی از تاریخ صدور حکم قطعی دادگاه آغاز می شود و زوجین اقدام به نگهداری، تربیت، پرداخت هزینه معاش و تحصیل کودک می نمایند. (رسولی، 1386، ص 137) از طرفی کودک نیز موظف است که در خانه ی پدر خوانده زندگی کند و حقوق آنها را رعایت کند لذا هر دو نسبت به یکدیگر حقوقی را دارا می باشند و به جهت تعدد حقوق طرفین در این مقال به برخی حقوق مربوط به فرزند خوانده که شامل حضانت، نفقه، مساله ارث و تعلیم و تربیت، است پرداخته می شود.

### 1-6- حضانت

اثر اجتناب ناپذیر فرزندخواندگی، حضانت است. به این معنی که نمی توان تحقق فرزندخواندگی را بدون ایجاد حق و تکلیف حضانت برای پذیرندگان تصور کرد. حضانت در اصطلاح به معنای تربیت کردن و پرورش دادن است. با توجه به تشبیه وضعیت سرپرست و طفل تحت سرپرستی به ابویین و اولاد حقیقی، این مقررات در مورد آنها نیز رعایت می گردد. در قانون حمایت از کودکان بی سرپرست پیش بینی شده است که با تقاضای سرپرست از سوء رفتار طفل موضوع حضانت و سرپرستی فسخ می گردد. (شریعتی نسب، 1390، ص 186) در مواردی که

اختلاف میان زوجین منجر به جدایی آنان می شود، دادگاه در مورد نگاهداری طفل تحت سرپرستی به ترتیب مقرر در قانون حمایت خانواده اقدام خواهد کرد یعنی نگاهداری طفل را با توجه به مصلحت او به یکی از سرپرستان یا شخص ثالث واگذار خواهد نمود. (امامی، صفایی، 1376، ج 2، ص 31)

## 2-6- نفقه

بی تردید نفقه در فرزندخواندگی را باید با نفقه اقارب قیاس کرد، کسی که دارای فرزند می شود مسئول تامین مایحتاج متعارف زندگانی وی خواهد بود. حال اگر بنا باشد به حکم قانون خانواده ای مجازی تشکیل گردد و روابط افراد در چارچوب آن به روابط موجود در خانواده ی حقیقی تشبیه گردد، همین الزام برای سرپرستان نیز وجود خواهد داشت و از این حیث در حکم والدین خواهند بود. (شریعتی نسب، 1390، ص 139) به لحاظ قرارداد و حکم سرپرستی به پذیرندگان، احکام نفقه فقط شامل پدرخوانده و مادرخوانده می شود و تکالیفی را برای اجداد آنان ثابت نمی کند. ولی در مقابل پدرخوانده و مادرخوانده نسبت به اولاد فرزندخوانده ملزم به پرداخت نفقه خواهند بود و در این مورد نیز همان شرایط انفاق به فرزندخوانده رعایت می گردد. (امامی، صفایی، 1384، ص 273) همچنین در ماده 17 قانون آمده است: حقوق و تکالیف سرپرست و کودک یا نوجوان تحت سرپرستی از لحاظ نگهداری، تربیت، نفقه و احترام نظیر حقوق و تکالیف پدر و مادر و اولاد است. (شریعتی نسب، 1390، ص 111)

## 3-6- ارث

حکم سرپرستی از موجبات ارث، بین زوجین سرپرست و کودک تحت سرپرستی نخواهد بود. اما هر نوع هبه و صلح در زمان حیات زوجین به کودک بلا مانع است و پس از فوت زوجین اموال صلح شده یا موهوبه را نمی توان از کودک استرداد کرد. اما هرگاه کودک فوت کند و اموالی به او صلح شده باشد، باید بین اموالی که زوجین به وی صلح کرده و اموالی که دیگران به وی تملیک نموده اند، فرق گذاشت. به موجب تبصره ماده 5 قانون سرپرستی، «هرگاه وجوه یا اموالی از طرف زوجین سرپرست به طفل تحت سرپرستی صلح شده باشد، در صورت

فوت طفل، وجوه و اموال مذکور از طرف دولت به زوجین تحت سرپرستی تملیک خواهد شد.» این ترتیب برخلاف اصول و قواعد حقوقی است زیرا کودک بوسیله صلح، مالک اموال مورد صلح شده و پس از فوت وی این اموال باید به وارث قانونی او و در صورت فقدان وارث، توسط دولت تملک شود ولی در هر حال تملیک این اموال به زوجین سرپرست، توجیه قانونی ندارد جز اینکه قانونگذار به این وسیله خواسته باشد، اشخاص را به قبول سرپرستی کودکان بی سرپرست ترغیب کند. (کاتوزیان، 1371، ج 2، ص 397)

#### 4-6- تربیت و تعلیم

تعلیم و تربیت از حقوق اساسی کودک محسوب می شود. اسلام ضمن اینکه به جایگاه علم و دانش آموزشی تاکید دارد، به خصوص در تعلیم و تربیت فرزندان نیز به طور مستقل عنایت ویژه دارد و از آنجا که فرزندان ادامه ی وجود پدر و باقیات صالحات او هستند در خیر و شر در دنیا و آخرت با پدر پیوند دارند؛ او در ادب، آموزش و تربیت صحیح آنان مسئولیت دارد. آموزش کتاب خدا و آشنایی با بایدها و نبایدهای مکتب به عنوان امری واجب بر فرزند پذیران است تا آنجا که کوتاهی در انجام این وظیفه، تعدی به حقوق فرزند خوانده محسوب می شود. (عالمی طامه، 1391، ص 245)

#### 07 فواید فرزندخواندگی

روانشناسان و جامعه‌شناسان جهان عقیده دارند که بهترین محیط برای پرورش روح کودکان و تلطیف عواطف آنان، محیط خانه و مجموعه خانواده است. کودک علاوه بر غذا و لباس، نیاز به محبت دارد و اطفالی که از نعمت خانواده و گرمی و محبت آن محروم هستند و در محیط‌های شبانه‌روزی نظیر شیرخوارگاه‌ها و پرورشگاه‌ها و مراکز دیگر زندگی می‌کنند، غالباً به اختلال و عقب افتادگی فکری و ذهنی و ناراحتی‌های عصبی مبتلا می‌گردند؛ زیرا محبت به مثابه یک قاشق عسل است که اگر به یک نفر خورانده شود، طعم و شیرینی و نیروبخشی آن محسوس است و اگر آن را در ده یا بیست لیتر آب مخلوط کنند، اثر و فایده خود را از دست خواهد داد و کسانی که آن را می‌چشند طعم و شیرینی یا انرژی آن را دریافت نخواهند کرد. بنابراین محبت یک زن یا مرد قادر است فقط روح

یک یا دو کودک را ارضا کند، ولی به حال پنجاه کودک در یک پرورشگاه، مفید نخواهد بود. به همین دلیل، بسیاری از متفکران و روانشناسان قدیم و جدید، خانواده را بهترین محیط برای رشد جسم و روح اطفال می‌دانند و پرورشگاه‌ها را برای کودکان در حکم زندان و تبعیدگاه تلقی می‌کنند که این امر مورد توجه اسلام نیز قرار گرفته و نگاهداری اطفال بی‌سرپرست در مکان‌های عمومی و تأمین غذا و لباس آنان را کافی و مفید نمی‌داند و توصیه اکید دارد که این گونه اطفال در خانواده‌ها رشد کنند و به آنها با محبت رفتار شود. (امامی، 1387، ص 31)

نهاد فرزندخواندگی علاوه بر فوایدی که برای فرزندخوانده دارد، برای استحکام بخشیدن اساس خانواده و از بین بردن ناهنجاری‌های آشکار و پنهان زن و شوهری که از داشتن فرزند واقعی محروم مانده‌اند بسیار کارساز است و زن و شوهری که فاقد فرزند هستند، ولی با عشق و علاقه، زندگی مشترک را ادامه می‌دهند، از طریق پذیرش کودکی در خانواده خود، غم پنهانی این محرومیت را به فراموشی می‌سپرنند یا از سنگینی و فشار آن می‌کاهند و طفل بی‌گناه همانند فرزند واقعی در پناه این خانواده به نحو مطلوب رشد کرده وارد جامعه می‌شود. بنابراین فرزندخواندگی در سالم‌سازی خانواده و ایجاد روح تازه و رونق بیشتر به زندگی زناشویی، کمک مؤثری خواهد کرد و به تجربه ثابت شده است که چنان رابطه عاطفی عمیقی بین فرزندخوانده و پدر و مادرخوانده ایجاد خواهد شد که فاصله بین فرزند واقعی و ظاهری بکلی محو می‌گردد و زن و شوهر فراموش می‌کنند که طفل مزبور فرزند واقعی آنها نیست. در فایده اجتماعی فرزندخواندگی نیز تردیدی نیست زیرا وقتی اطفال بدون سرپرست جذب خانواده شوند و در محیط مناسب رشد کنند، در آینده جوانانی متعادل و دور از ناهنجاری‌های روحی، فعالانه وارد جامعه می‌شوند که از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی افرادی مفید و ارزنده خواهند بود. ضمن اینکه از مشکلات دولت نیز در زمینه نگاهداری اولیه و تربیت ادوار مختلف این گونه اطفال کاسته می‌شود. (امامی، 1387، ص 32)





## فصل دوم

### سیر تاریخی فرزندخواندگی در قرآن

خداوند متعال در آیه 21 سوره یوسف و آیه 9 سوره قصص به سیر تاریخی فرزندخواندگی اشاره می کند. عزیز مصر خواهان فرزندخواندگی یوسف علیه السلام و فرعون خواهان تبنی حضرت موسی علیه السلام بوده اند. در عصر جاهلیت، رسوم و آداب نادرستی بر امر فرزندخواندگی حاکم شده بود و با مساله فرزندخواندگی زیدبن حارثه از سوی پیامبر گرامی اسلام، پیامبر اسلام مامور می گردد شکل آن را تصحیح نماید و احکام فرزندخواندگی را از سوی خداوند متعال عملی و آشکار نماید.

**01** فرزند خواندگی در زمان حضرت یعقوب علیه السلام

وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لَامْرَأَتِهِ أَكْرَمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَ لِنُعَلِّمَهُ مِنَ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرِ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (يوسف، 21)

و آن کسی که او را از سرزمین مصر خرید (عزیز مصر) به همسرش گفت: مقام وی را گرامی دار و به چشم بردگان به او نگاه نکن شاید برای ما سودمند باشد و یا او را به عنوان فرزند انتخاب کنیم.....

قرآن کریم می فرماید: وقتی که عزیز مصر، یوسف را می خرد به همسرش سفارش می کند که مقام او را گرامی دارد و به چشم بردگان به او نگاه نکند چرا که ما امیدواریم از این کودک بهره ی فراوانی در آینده ببریم و یا او را به عنوان فرزند برای خود انتخاب کنیم. از آیه یاد شده استفاده می شود که عزیز مصر فرزندی نداشته و در اشتیاق فرزند به سر می برده است، هنگامی که چشمش به این کودک زیبا و برومند می افتد، دل به او می بندد که به جای فرزند برای او باشد. (مکارم، 1372، ج 9، ص 358)

## 02 فرزند خواندگی در زمان حضرت موسی علیه السلام

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قَرَّةٌ عَيْنٍ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا. (قصص، 9)

از پاره ای از آیات قرآن استفاده می شود که فرزند خواندگی در زمان حضرت موسی علیه السلام امری متداول و رایج بوده، زیرا پس از آن که مادر حضرت موسی او را به درون صندوق نهاد و در دریا انداخت، فرعون در حالی که آسیه همسرش با او بود در رود نیل سیاهی را دید که امواج آب آن را بالا می آورد و باد حرکتش می دهد تا آن که به درب قصر فرعون رسید، فرعون دستور داد او را از آب گرفتند و پیش او بردند، وقتی صندوق را باز کرد کودکی را در آن یافت و گفت: این کودک اسرائیلی است، خداوند متعال محبت شدیدی از موسی علیه السلام را در قلب فرعون و آسیه القا نمود. فرعون وقتی خواست او را بکشد زن فرعون گفت: روشنی چشم من و تو باشد او را نکشید! شاید نفع او به ما برسد یا او را برای خود به فرزندی بگیریم. سخن آسیه از آن روی بوده که فرعون دارای فرزند نبود، و آسیه از این راه می خواست او را به طمع بیندازد، تا به این وسیله او را به فرزندی

بگیرد و از نفع وی بهره مند شود. فرعون، موسی علیه السلام را به آسیه بخشید و آسیه به تربیت موسی علیه السلام مشغول شد. برخی از مفسرین اشاره نموده اند که فرعون فرزند ذکور نداشته و از همین روی پیشنهاد فرزند خواندگی موسی علیه السلام را مطرح نموده است. (مکارم، 1372، ج 16، ص 26-27)

### 03 فرزند خواندگی در زمان جاهلیت

کلمه ادعیاء جمع دعی به معنای پسرخوانده است و در جاهلیت عمل دعاء و تبنی در بینشان دایر و معمول بوده است و همچنین در بین امت های مترقی آن روز مانند روم و فارس که وقتی کودکی را پسر خود می خواندند، احکام فرزند صلبی را در حق او اجرا می کردند یعنی اگر دختر بود ازدواج با او را حرام می دانستند و وقتی پدرخوانده می مرد به او نیز مانند سایر فرزندان ارث می دادند و همچنین سایر احکام پدر و فرزندی را درباره ی او اجرا می کردند. (طباطبایی، 1388، ج 14، ص 411)

آیات قرآن نشان دهنده آن هستند که پیش از ظهور اسلام در محیط عربستان فرزندان خواندگی امری متداول و رایج بوده است، علت رواج فرزند خواندگی در زمان مزبور، آن بوده که قوام و بقای جامعه و خانواده به مردان و اولاد ذکور دانسته می شد و زنان در این خصوص حقی نداشتند و تبع مردان به حساب می آمدند، علامه طباطبائی در این مورد می فرماید همین که دیدید می گفتند که قوام اجتماع به وجود مردان است، باعث شد که معتقد شوند به این که اولاد حقیقی انسان، فرزندان پسر می باشند، و بقای نسل به بقای پسران است، و همین اعتقاد منشأ پیدایش عمل تبنی شد، یعنی باعث آن شد که اشخاص بی پسر، پسردیگری را فرزند خود بخوانند و ملحق به خود کنند، و تمامی آثار فرزند واقعی را در مورد او هم مترتب سازند لذا ناچار می شدند بچه های پسر دیگران را فرزند خود بخوانند، تا به خیال خودشان نسلشان منقرض نشود، و با این که می دانستند این فرزند خوانده، فرزند دیگران است و از نسل دیگران آمده، با این وجود فرزند قانونی خود به حساب می آوردند، و به او ارث می دادند و از او ارث می بردند، و تمامی آثار فرزند صلبی را در مورد او مترتب و جاری می کردند.

(رحیمی، 1388، ص 76)

#### 04 فرزند خواندگی در عصر اسلام

در هنگام ظهور اسلام نیز فرزند خواندگی امری متداول و رایج بوده به گونه ای که مسلمانان برخی از یتیمان را به فرزندی گرفته و با ایشان همانند فرزندانشان رفتار می کردند. این امر با توجه به توصیه های مکرر اسلام نسبت به یتیمان و محبت ورزیدن به ایشان و نخوردن اموال آنها امری مطلوب و پسندیده بوده است. (رحیمی، 1388، ص 78) در عصر اسلام این مساله در مورد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و زید به این شکل مطرح بود که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه دختر خویند ازدواج کرد، به منظور تجارت از مکه به عکاظ رفت و در آن جا زید را دید که در معرض فروش قرار گرفته، او را جوانی ز یرک و تیزهوش و عفیف یافت، پس وی را خریداری کرد، و همین که به نبوت رسید، زید را به اسلام دعوت نمود و زید مسلمان شد. از سوی دیگر وقتی پدر زید (حارثه بن شراحیل کلبی) از سرگذشت پسرش خبر دار شد به مکه آمد تا فرزندش را از مولایش خریداری کند. او نزد ابوطالب رفت و از او خواهش کرد که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بخواهد او را آزاد کند. وقتی ابوطالب با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صحبت کرد او فرمود: آزادش کردم، هرکجا که می خواهد برود. حارثه برخاست و دست زید را گرفت و گفت: پسر برخیز و به شرافت و حسب سابق برگرد. اما زید گفت: تا زنده ام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جدا نمی شوم و با این گفتار باعث عصبانیت پدر شد و پدر از او بیزارى جست. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز در بین شاهدان، زید را پسر خود اعلام کرد و گفت زید پسر من است از من ارث می برد و من نیز از او ارث می برم. (فیض کاشانی، 1386، ج 5، ص 298)

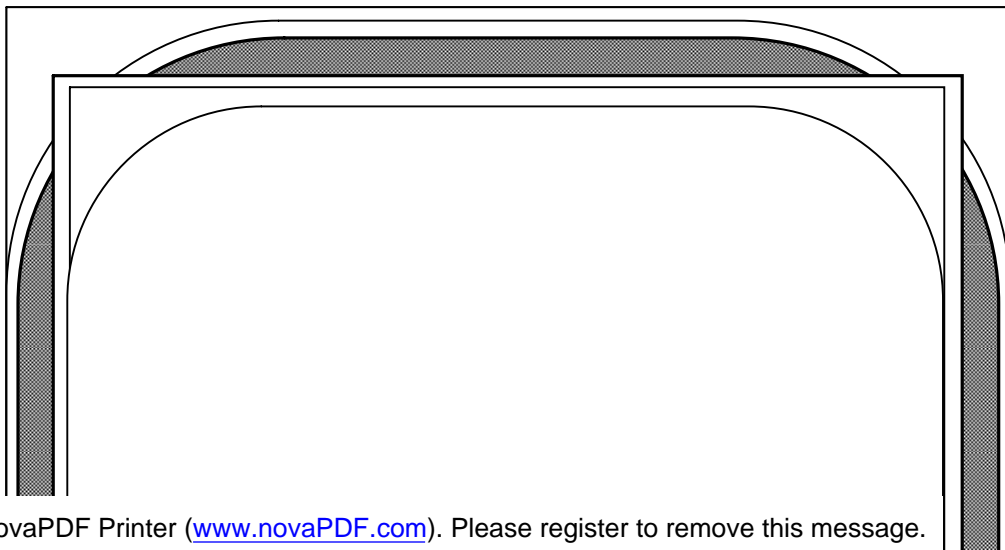
#### 05 مبارزه با سنت جاهلی فرزندخواندگی

وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَخْفَى فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا. (احزاب، 37)

و هنگامی که به کسی که هم خداوند و هم خود تو در حق او نیکی کرده بودی، گفتی همسرت را نزد خویش نگه دار و طلاق مده و از خداوند پروا کن و چیزی را در دل خود پنهان می داشتی که خداوند آشکار کننده آن بود و از مردم بیم داشتی، حال آن که خداوند سزاوارتر است به این که از او بیم داشته باشی، آن گاه چون زید از او حاجت خویش برآورد، او را به همسری تو برآوریم، تا برای مؤمنان در مورد همسران پسر خواندگانشان - به ویژه آن گاه که از ایشان حاجت خویش را برآورده باشند - محظوری نباشد، و امر الهی انجام یافتنی است.

زید فرزند خوانده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که او را آزاد کرد و به ازدواج زینب درآورد اما بعد از مدتی به دلیل ناسازگاری تصمیم به جدایی گرفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زید را از این کار بر حذر داشت و او را به پرهیز و ترس از خدا سفارش نمود. اما این ازدواج دیری نپایید و منجر به طلاق شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای جبران این شکست زینب را به امر خدا به همسری خود برمی گزیند. این مساله یک مساله اخلاقی و انسانی بود و نیز وسیله موثری برای شکستن دو سنت غلط جاهلی (ازدواج با همسر مطلقه ی پسرخوانده و ازدواج با همسر مطلقه یک غلام و برده آزاد شده). مکارم، 1372، ج 17، صص 321-318) در جاهلیت مرسوم بود که شخصی را برمی گزیدند و او را تربیت می کردند و به خود نسبت می دادند (تبنی = پسرخواندگی) و نکاح زن پسرخوانده را با خود حرام می دانستند. (الحسینی الشاه عبدالعظیمی، 1364، ج 10، ص 454) خدای متعال، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مامور کرد که با همسر مطلقه ی زید ازدواج کند و این بدعت را لغو نماید و نشان دهد که احکام فرزند خوانده با فرزند نسبی تفاوت دارد. (بهرامپور، 1390، ص 418) این الفاظ تو خالی نمی تواند واقعیتها را دگرگون سازد، چراکه رابطه پدری و فرزندگی یک رابطه طبیعی است و با الفاظ و قراردادهای و شعارها هرگز حاصل نمی شود. (مکارم، 1372، ج 17، ص 196) اصولاً سنت شکنی و برچیدن آداب و رسوم خرافاتی و غیر

انسانی همواره با سر و صدا توأم است و پیامبران هرگز نباید به این سر و صداها اعتنا کنند. (بیستونی، 1388، ج 4، ص 296) قرآن کریم سنت غلطی را که مثل همه ی سنتهای غلط دیگر دست و پاگیر مردم شده بود را شکست. برای شکستن یک سنت، موثرترین شیوه، شکستن عملی آن است و با تتبع در آیات قرآنی معلوم می شود که قولا و عملا در راه شکستن این سنتها اقدام شده است. (بهشتی، 1364، ص 349)



## فصل سوم

### احکام فرزندخواندگی در قرآن

در دین اسلام، فرزندخواندگی به این معنی که سرپرستی کودکی پذیرفته شود و تمام آثار (اعم از نفقه، ولایت، حضانت، ارث و...) فرزند نسبی نسبت به این کودک اجرا گردد، مشروع نمی باشد. در قرآن کریم تصریح شده است که خداوند فرزندخوانده های شما را فرزند حقیقی شما قرار نداده است. (حییبی، 1381، ص 34) آیات 5 - 4 و آیات 40 - 36 سوره احزاب به طور مستقیم به فرزند خواندگی و بیان احکام آن پرداخته است و خداوند

متعال به مسلمانان در این زمینه دستورات لازم را توصیه فرموده است که در این فصل این آیات مورد بررسی و دقت قرار می گیرند.

### 01 نهی انتساب فرزندخوانده به غیر پدرانشان

... و ما جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ . ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً. (احزاب، 5-4)

پاره ای از مفسران برآنند که آغاز آیه شریفه به ادامه آن پیوند دارد و تقدیر آن این است که همانگونه که خدا برای انسان دو قلب قرار نداده، فرزند یک انسان هم نمی تواند فرزند دیگری شمرده شده و آن را به غیر پدرش نسبت داد چراکه خدا فرزندخوانده را فرزند انسان قرار نداده است. (طبرسی، 1380، ج 11، ص 349)

امام صادق علیه السلام فرمودند : سبب نزول آیه، این بود که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه دختر خوید ازدواج کرد، به منظور تجارت از مکه به عکاظ رفت و در آن جا زید را دید که در معرض فروش قرار گرفته، او را جوانی ز ایرک و تیزهوش و عقیف یافت، پس وی را خریداری کرد، و همین که به نبوت رسید، زید را به اسلام دعوت نمود و زید مسلمان شد. بعد از آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه مهاجرت کرد زینب بنت جحش را به ازدواج زید در آورد. بعد از ماجرای طلاق زینب و ازدواج او با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، منافقین گفتند: زنان پسران ما را بر ما حرام می کند، آن وقت خودش همسر پسرش زید را می گیرد. خدای متعال در پاسخ آنان فرمود: و ما جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ یعنی فرزندخوانده ها را فرزند شما قرار نداده است، این سخنانی که بر زبانتان جاری می شود، و خداوند حق را می گوید و او به راه راست هدایت می کند. سپس فرمود: ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ بدان که زید پسر واقعی حضرت نبود بلکه پیامبر به خاطر اینکه پدر



زید او را از خود راند برای تسکین و تسلای دل زید او را به عنوان پسرخوانده خویش انتخاب کرد. (فیض کاشانی، 1386، ج 5، ص 298)

مراد از علم نداشتن به پدران پسرخواندگان این است که پدران ایشان را با اسم و رسم و خصوصیات شناسند و کلمه موالی به معنای اولیاء است و معنای آیه این است که: اگر پدران پسرخواندگان خود را نمی شناسید هنگام صدا زدن به غیر پدرانشان نسبت ندهید، بلکه آنان را برادر خطاب کنید و یا به اعتبار ولایت دینی، ولی خود بخوانید. در مواردی هم که اشتباهی و یا از روی فراموشی ایشان را به غیر پدرانشان نسبت دهید، گناهی بر شما نیست ولیکن در مواردی که دلہایتان آگاه است و عمدی این کار را انجام می دهید گناهکارید. (طباطبایی، 1388، ج 14، ص 412) گذشته ها را بر شما می بخشد، سهو و نسیان و اشتباه و خطا را مورد عفو قرار می دهد؛ اما هرگاه بعد از نزول این حکم، از روی عمد و اختیار مخالفت کنید و افراد را به غیر پدرانشان بخوانید و رسم نادرست پسرخواندگی و پدرخواندگی را ادامه دهید خداوند بر شما نخواهد بخشید. (مکارم، 1372، ج 17، ص 199)

لذا بر اساس تبصره های قانونی هم برای خواندن فرزند خوانده به نام خانوادگی فرزند پذیر، باید در اسناد رسمی اداره ثبت احوال و شناسنامه توضیحاتی ثبت گردد که اسناد بنوت و ابوت صوری بوده و این رابطه ی فرزند حقیقی نبوده و حکمی است تا به تحلیل حرام یا تحریم حلالی منجر نشود. (عالمی طامه، 1391، ص 228)

## 02 عدم شمول ارث برای فرزند خوانده

در زمان جاهلیت، فرزند خواندگی و برادر خواندگی از اسباب ارث بشمار می رفت. اسلام در آیاتی آنها را رد کرده و نسبت واقعی را از اسباب ارث برشمرده است، از جمله:

\*النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولَئُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَيَّ أُولِيَاءُكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا. (احزاب، 6)

پیامبر(ص) به مؤمنان اولی و شایسته تر است از - خودشان و همسران او مادران ایشان هستند و صاحبان رحم بعضی از آن ها اولی و مقدّم بر برخی دیگر هستند در کتاب خدا از مؤمنان و مهاجران مگر آن که به دوستانتان خوبی کنید این در کتاب خدا نوشته شده است.

آیه در مقام بیان این مطلب است که خویشاوندی حقیقی از اسباب ارث است، سبب ارث بردن فرزند خواندگی و برادر خواندگی، مثل برادر خواندگی بین انصار و مجاهدین و موارد دیگر را نفی می کند. این مفهوم در آیه 75 سوره انفال ( اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله ) و آیات 11-12 سوره نساء که طبقات ارث را معرفی می کند، نیز آمده است. هر چند که آیات، فرزند خواندگی و برادر خواندگی و ... را از اسباب ارث نمی دانند، با این وجود نیکی و توجه مالی به ایشان را از طریق دیگر همچون وصیت و هبه نفی نمی کنند. (رحیمی ، 1388 ، ص 79)

### 03 عدم حرمت نکاح پدر خوانده با همسر فرزند خوانده

\* حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَ خَالَاتُكُمْ وَ بَنَاتُ الْأَخِ وَ بَنَاتُ الْأُخْتِ وَ أُمَّهَاتُكُمْ اللَّائِي  
أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَ أُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَ رَبَائِبُكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ  
فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ... (نساء،) 23

حرام شد بر شما ازدواج با مادر و دختر و خواهر و عمّه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادر زن و دختران زن که در دامن شما تربیت شده اند اگر با زن مباشرت کرده باشید پس اگر دخول با زن نکرده طلاق دهید باکی نیست که با دخترش ازدواج کنید، و نیز حرام شد زن فرزندان صلبی نه زن پسرخوانده شما....

در این آیه محارمی که محرم انسان بوده و ازدواج با آنها ممنوع شده است معرفی شده اند، از جمله محارم (حلائل ابنائکم الذین من اصلابکم) است که به زنان فرزندان صلبی اشاره دارد که بر پدران واقعی ایشان حرام می

باشند. قید اصلا بکم نشانگر آن است که مساله حرمت ازدواج بر خلاف سنت رایج در زمان جاهلیت و اوایل ظهور اسلام، شامل زنان فرزندان غیر صلبی یا فرزند خوانده ها نمی شود. (طباطبایی، 1344، ج 8، ص 89)

\*... فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَاءِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا. (احزاب، 37)

..آن گاه چون زید از او حاجت خویش برآورد، او را به همسری تو برآوریم، تا برای مؤمنان در مورد همسران پسر خواندگانشان - به ویژه آن گاه که از ایشان حاجت خویش را برآورده باشند - محظوری نباشد، و امر الهی انجام یافتنی است.

هنگامی که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم برای برچیدن یک سنت جاهلی با زینب ازدواج کرد، خرافه بافان و بداندیشان بر او خرده گرفتند که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بانویی را به همسری برگزیده است که روزگاری همسر فرزندخوانده او بوده است. خداوند متعال در آیه 40 سوره احزاب در پاسخ آنان فرمود که: ما کانَ مُحَمَّدًا اَبَا اَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ، محمد صلی الله علیه و آله و سلم پدر هیچ یک از مردان شما مردم نیست؛ او نه پدر زید است و نه پدر مردان دیگر امت؛ چراکه نه پسرخوانده ی کسی فرزند واقعی او می شود، و نه پدرخوانده ی کسی پدر او. حرمت ازدواج با زن پسر در گرو ثبوت نسب است؛ وقتی زید از نسل و تبار و نسب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست، ازدواج با زنی که روزگاری همسر او بوده ناروا و حرام نیست. (طبرسی، 1380، ج 11، ص 510)

#### 04 عدم حرمت نکاح فرزند خوانده با همسر پدر خوانده

و لَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ.....(نساء، 22)

ازدواج نکنید با زنانی که پدرانتان با ایشان ازدواج نموده اند.....

در زمان جاهلیت عادت بر این بود که وقتی پدر می مرد پسر با همسر پدرش تزویج می کرد یا بعد از آنکه

پدر، زن را طلاق می داد با همسر پدرش ازدواج می نمود. بر اساس این آیه ازدواج فرزندان واقعی یا صلبی با

همسر پدران واقعی حرام و ممنوع است. (مصطفی شاکر، 1386، ج 1، ص 349) حرمت این امر فرزند خوانده ها و پدر خوانده ها را شامل نمی شود.

## 05 کیفیت محرمیت فرزندخوانده با فرزندپذیران

\* حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَ خَالَاتُكُمْ وَ بَنَاتُ الْأَخِ وَ بَنَاتُ الْأُخْتِ وَ أُمَّهَاتُكُمْ اللَّائِي  
أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرِّضَاعِ وَ أُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَ رَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ  
فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ... (نساء، 23)

طبق این آیه راههای محرمیت در سه راه نسب، سبب و رضاع خلاصه می شوند و بر اساس فقه اسلام و آموزه های وحیانی آن، فرزند خوانده نامحرم است اما این بدان معنا نیست که نمی توان رابطه محرمیت را میان افراد یک خانواده که کودکی را به فرزند خواندگی گرفته اند، ایجاد کرد. با توجه به اینکه برای ایجاد محرمیت بین والدین و فرزندخوانده نسب متنفی است تنها راهی که می ماند رضاع و ازدواج است. (هاشمی نیا، 1386، ص 62) از آیات و روایات منصوص استفاده می گردد که محرمیت غیر از این سه راه، روشی جعلی و خروج از روش استنباط شرعی است در این مقال فقط به دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی (ره) پرداخته می شود.

### 1-5- رضاع

الف - اگر کودک، دختر شیر خواره باشد از راه های زیر بین او و مرد (پدر خوانده) محرمیت ایجاد می شود:

- 1- شیر همسر انسان را بخورد که در این صورت دختر رضاعی مرد می شود.
  - 2- شیر مادر مرد را بخورد، که در این صورت خواهر رضاعی مرد می شود.
  - 3- شیر خواهر مرد را بخورد، که دخترخواهر رضاعی مرد می شود و یا شیر دختر خواهر مرد را بخورد.
  - 4- شیر زن برادر مرد را بخورد، که دختر برادر رضاعی او می شود و یا شیر دختر برادر مرد را بخورد.
- ب - اگر کودک، پسر و شیرخوار باشد، از راه های زیر میتوان بین او و زن (مادرخوانده) ایجاد محرمیت کرد:
- 1- شیر همان زن را بخورد، که فرزند رضاعی او می شود.

2- شیر مادر زن را بخورد، که برادر رضاعی زن می شود.

3- شیر خواهر زن را بخورد، که پسر خواهر رضاعی زن می شود یا شیر دختر خواهر زن را بخورد.

4- شیر زن برادر زن را بخورد، که پسر برادر رضاعی زن می شود یا شیر دختر برادر زن را بخورد.

## 2-5- صیغه نکاح

الف - اگر دختر شیر خوار نباشد یا اگر شیر خوار است و شیرموارد فوق وجود ندارد می توان به وسیله صیغه نکاح موقت بین دختر و پدر مرد یا پدر بزرگ او محرمیت ایجاد می شود ولی باید توجه داشت که اگر دختر نابالغ باشد نکاح مذکور باید به اذن ولی شرعی او باشد و در صورت نبودن ولی، باید از مجتهد جامع شرایط اذن گرفت . در هر صورت نباید صیغه محرمیت برای دختر بچه مفسده داشته باشد . بلکه رعایت مصلحت او لازم است . کما اینکه اگر دختر بالغ باشد اذن پدر یا جد پدری به احتیاط واجب معتبر است.

ب- اگر پسر شیرخوار نباشد و مادر خوانده، مادر بدون شوهر داشته باشد، او را به عقد دائم یا موقت پسر در آورند پس از دخول او به مادر خوانده، ربیبه ی او می شود و به او محرم می شود. (فاضل لنکرانی، 1383، ج 1، ص 434)

البته در این راستا می توان به دیدگاههای دیگر مراجع عظام تقلید نیز مراجعه کرد که متن برخی از استفتائات

آنان در ضمائیم کتاب فرزندخواندگی در اسلام از حسن عالمی طامه آمده است.



## فصل چهارم

### شبهات فرزندخواندگی

فرزند خواندگی از جمله مسائلی است که سوالات و شبهات گوناگونی در پیرامون آن مطرح می گردد از جمله مساله ی ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با همسر فرزندخوانده اش، مساله ی محرمیت ، مساله ی نکاح ،

مساله ی صدور شناسنامه به نام پدرخوانده و مساله ی آگاهی فرزندخوانده. برخی از خانواده ها بخاطر اینکه پاسخ مناسبی برای سوالات خود پیدا نمی کنند از اقبال و پذیرش فرزندخوانده منصرف می شوند لذا در این فصل به برخی سوالات و شبهات رایج، پیرامون این مساله پرداخته می شود.

### 01 چرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با همسر فرزند خوانده اش ازدواج کرد؟

پسر خوانده، هرگز پسر واقعی نمی شود چه رسد که پسر خوانده در یک سلسله از احکام از قبیل: ارث، ازدواج و طلاق مانند فرزند واقعی انسان شود؛ مثلا هرگاه پسر واقعی از پدر ارث می برد و بالعکس و یا همسر فرزند واقعی پس از طلاق فرزند بر پدر او حرام می شود، هرگز نمی توان گفت که پسر خوانده نیز در این قسمت ها با فرزند واقعی شریک و یکسان است. جامعه ی عرب پسر خوانده را مانند پسر واقعی فرض می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مامور شد که با زینب همسر سابق فرزندخوانده اش ازدواج کند و این روش غلط را از بین ببرد و این شیوه ی ناستوده را با عمل که اثر آن بیش از گفتن و جعل قانون است، از میان مردم عرب بردارد و این ازدواج علتی جز این نداشته است. (سبحانی، 1389، ص 603)

### 02 آیا فرزند خوانده به فرزند پذیران، محرم است؟

بر اساس فقه اسلام و آموزه های وحیانی آن، فرزند خوانده، نامحرم است اما این بدان معنا نیست که نمی توان رابطه محرمیت را میان افراد یک خانواده که کودکی را به فرزند خواندگی گرفته اند، ایجاد کرد. با توجه به اینکه برای ایجاد محرمیت بین والدین و فرزندخوانده نسب منتفی است تنها راهی که می ماند رضاع و ازدواج است. (هاشمی نیا، 1386، ص 62) کیفیت محرمیت بطور کامل در استفتائات مراجع بزرگ تقلید آمده است که به مختصری از این احکام در فصل سوم اشاره شد که می توان از راه رضاع یا صیغه نکاح بین فرزندخوانده با فرزندپذیران رابطه ی محرمیت ایجاد کرد و راه دیگری مفروض نیست.

**03** با توجه به اینکه فرزندخواندگی از موجبات محرمیت نخواهد بود لذا منعی از نکاح بین سرپرست و طفل ایجاد نمی کند بهمین خاطر باعث بروز مشکلاتی برای فرزندخوانده خواهد شد؛ در قانون به این مساله چگونه توجه شده است؟

امکان زناشویی کردن با کودکی که به فرزندی پذیرفته شده است با هدف قانونگذار از تاسیس این سازمان حقوقی تعارض دارد و آن را بیهوده می سازد. کودک بی سرپرست بدین منظور به خانواده ها سپرده می شود که در محیطی شبیه خانواده ی طبیعی خود پرورش یابد و معنای همبستگی را بفهمد. این کانون پرورشی و آموزشی باید از آلاینده های مادی و هوسبازی جنسی منزه باشد و گرنه هیچگاه نتیجه مطلوب نمی دهد. صدور شناسنامه ی طفل با نام خانوادگی زوج کنایه از این است که قانون او را در حکم فرزند خانواده می داند و دست کم ثبت نکاح آن دو را غیر ممکن می سازد. (کاتوزیان، 1382، ص 453) لذا مصلحت اقتضاء می کند که قانونگذار در این خصوص تصمیمی مبنی بر منع ازدواج اتخاذ کند یا رویه قضایی با تفسیر موسع از قانون مشکل را حل نماید. (امامی، صفایی، 1384، ص 275) البته باید توجه نمود که فرض امکان ازدواج پدر خوانده و فرزند خوانده وقتی مطرح می گردد که شرایط محرمیت حاصل نشده باشد.

**04** با توجه به اینکه فرزندخوانده، فرزند واقعی و نسبی فرزندپدیر نیست، تعویض نام خانوادگی او چگونه توجیه می شود؟

برای اینکه اعتبار ساخته شده توسط قانون بتواند هر چه بیشتر رنگ خانواده ی طبیعی به خود بگیرد و احساس تعلق را میان اعضای آن فزونی بخشد و نیز برای جلوگیری از پاره ای مشکلات اجرایی، انتقال نام خانوادگی پذیرندگان به کودک ضروری به نظر می رسد؛ اما در عین حال حفظ سوابق هویتی افراد و حق آنها برای کسب اطلاع از آن ضرورت دیگری است که باید مد نظر قرار داد و هیچ یک را فدای دیگری نساخت. در چنین حالتی تغییر نام خانوادگی در عین حفظ سوابق هویتی و اشاره به آن در اسناد سجلی شخص تمامی اشکالات مربوط به



ارث، حرمت نکاح، مسایل پزشکی - ژنتیک، تعیین ویژگیهای مذهبی و ... نیز مرتفع می گردد. (شریعتی نسب، 1390، ص 200) لذا پس از قطعیت حکم سرپرستی، بر اساس ماده 14 قانون حمایت از کودکان بی سرپرست طفل به نام خانوادگی زوج نامیده خواهد شد. (امامی، صفایی، 1376، ج 2، ص 32) قانون در این زمینه می گوید که: مفاد حکم قطعی سرپرستی به ادراه ثبت احوال ابلاغ و در اسناد سجلی زوجین سرپرست و طفل درج و شناسنامه جدیدی برای طفل فقط با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوج صادر خواهد شد. (امامی، صفایی، 1384، ص 274) بنا بر این فقها گرفتن شناسنامه ای را که در آن موارد فوق رعایت نگردد و موجب به هم خوردن نسبت و آثار مهم آن و تضییع حقوق دیگران شود را حرام می دانند. (عالمی طامه، 1391، ص 229)

**05** برخی از افراد فکر می کنند صرف رابطه فرزندخواندگی، فرزندخوانده به دلیل زندگی کردن و هم سفره بودن با آنها محرم می شود، این دیدگاه چنین توجیه می گردد؟

بر اساس فقه اسلام و آموزه های وحیانی آن، فرزند خوانده نامحرم است. با توجه به اینکه محرمیت از سه راه نسب، سبب و رضاع ثابت می گردد و برای ایجاد محرمیت بین والدین فرزندپذیر و فرزند خوانده، نسب منتفی است باید به دو راه سبب و رضاع با لحاظ شرایط ویژه ی آن که مراجع معظم تقلید در رساله های عملیه ذکر کرده اند، مراجعه کرد. (هاشمی نیا، 1386، ص 62) این اعتقاد که دین اسلام خیلی سخت نگرفته و هم زیستی فرزندخوانده با خانواده ی مجازی او باعث محرمیت می شود مبنای دینی ندارد و عوام مردم معمولاً فقط با در نظر داشتن ثواب به پذیرش فرزندخوانده رغبت می کنند اما نباید بخاطر یک عمل پسندیده دست از تقیدات دینی برداشت. با راههای محرمیتی که مراجع معظم تقلید ذکر کرده اند می توان با فراغت خاطر این عمل پسندیده را بخاطر رضای خدا انجام داد و در غیر این صورت می توان سرپرستی کودکان بی سرپرست را به شکلهای دیگری به عهده گرفت.

**06** با توجه به اینکه اطلاع یافتن فرزندخوانده از فرزندخواندگیش باعث تالم روحی برای او می گردد آیا

دلیلی بر این آگاهی وجود دارد؟

این که اطلاع دادن به فرزندخوانده، موجب تالم روحی او می گردد، دلیل نمی شود که همه جا سکوت کرد؛ زیرا در بعضی اوقات آگاه ساختن وی از باب وجوب اعلام جاهل واجب است؛ برای مثال اگر پسری که به فرزند قبول شده، به واسطه عدم اطلاع از حقیقت حال، با مادر و خواهر مجازی مانند محرم واقعی رفتار کند، مو و بدن آنها را نگاه یا لمس نماید یا تصمیم ازدواج با کسانی بگیرد که جزو محارم حقیقی اش هستند و او آنها را بیگانه می پندارد، در این صورت جلوگیری وی از انجام حرام بدون اعلام و آگاه ساختن وی ممکن نیست و اعلام، واجب است. فقیهان شیعه در مانند این مسائل، ارشاد جاهل را واجب می دانند. این مساله به خصوص برای مادر و خواهر مجازی ضرورت دارد چون اگر خود را نپوشانند و در صورت عدم رعایت حدود شرعی فرزندخوانده، او را آگاه نسازند خودشان هم معصیت کار هستند. (هاشمی نیا، 1386، ص 64)

نتایج

\* فرزندپذیری، شیوه ای از مراقبت کودکان است که در آن رابطه والد - فرزندی به شیوه ای قانونی، عاطفی و اجتماعی بین افرادی برقرار می شود که هیچ رابطه ای به واسطه تولد با یکدیگر ندارند.

\* با آنکه هیچ رابطه نسبی بین والدین فرزندپذیر و فرزندخوانده وجود ندارد اما همواره رسیدگی و مراقبت از کودکان بی سرپرست، در دین مبین اسلام در درون خانواده ها مورد توجه بوده است .

\* بهترین محیط برای پرورش روح کودکان و تلطیف عواطف آنان، محیط خانه و مجموعه خانواده است. کودک علاوه بر غذا و لباس، نیاز به محبت دارد و اطفالی که از نعمت خانواده و گرمی و محبت آن محروم هستند و در محیط های شبانه روزی نظیر شیرخوارگاه ها و پرورشگاه ها و مراکز دیگر زندگی می کنند، غالباً به اختلال و عقب افتادگی فکری و ذهنی و ناراحتی های عصبی مبتلا می گردند.

\* فرزند خواندگی در حقوق اسلام منشاء اثر حقوقی نیست. فرزند خوانده از پدر و مادر خوانده ارث نمی برد و در مورد ارث فرزند خوانده، سرپرستان می توانند از طریق وصیت ماترک و یا هبه و صلح مال در زمان حیات، مالی را برای فرزند خوانده به ارث بگذارند همچنین حضانت و نفقه فرزند خوانده به عهده پدر خوانده و یا مادر خوانده کودک است. مساله محرمیت کودک با پدرخوانده و مادرخوانده نیز از مهمترین مسایلی است که باید به آن توجه نمود و در کتب فقهی مراجع بزرگ تقلید راههای آن ذکر شده است.

\* با توجه به احکام فقهی بررسی شده می توان دریافت که دو مساله مهمی که باعث تفاوت احکام فقهی، فرزند خوانده با فرزندنسبی می شود دو مساله ارث و محرمیت است . کسانی که با مراجعه به پرورشگاه ها و شیرخوارگاه ها، کودکانی را به فرزندخواندگی می گیرند، می بایست توجه داشته باشند که این کودکان فرزند واقعی و حقیقی آنان تلقی نمی شوند و احکام فرزند واقعی چون محارم و ارث و مانند آن بر ایشان بار نمی شود.

\* رابطه حقوقی ناشی از فرزندخواندگی یا سرپرستی اطفال بی سرپرست، برخلاف رابطه حقوقی بین طفل و والدین واقعی زوال پذیر است. سوءرفتار یا عدم اهلیت و شایستگی هریک از زوجین سرپرست برای نگاهداری و

تربیت طفل تحت سرپرستی و از دست رفتن قدرت و استطاعت برای تربیت و نگاهداری طفل و همچنین غیر قابل تحمل بودن سوءرفتار طفل برای هریک از سرپرستان از موارد فسخ این رابطه حقوقی در قانون شمرده شده است.

الف-کتب

\* قرآن مجید

1- آریان پور کاشانی، منوچهر (1381)، فرهنگ جامع پیشرو فارسی - انگلیسی، ج3، تهران: جهان رایانه

2- استادان طرح جامع آموزش خانواده، خانواده و فرزندان (1380)، چاپ هفتم، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و

مربیان جمهوری اسلامی ایران

3- الحسینی الشاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (1364)، تفسیر اثنی عشری (چاپ اول)، ج10، انتشارات میقات

4- افرام البستانی، فواد (1373)، فرهنگ جدید عربی - فارسی (چاپ دهم)، مترجم محمد بندر ریگی، تهران:

انتشارات اسلامی

5- امامی، اسدالله؛ صفایی، حسین (1384)، مختصر حقوق خانواده (چاپ هشتم)، تهران: نشر میزان

6- امامی، اسدالله؛ صفایی، حسین (1376)، حقوق خانواده، ج2، تهران: ناشر دانشگاه تهران

7- بهرام پور، ابوالفضل (1390)، تفسیر مبین (چاپ اول)، قم: انتشارات آوای قرآن

8- بهشتی، احمد (1364)، خانواده در قرآن، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

9- بیستونی، محمد (1388)، تفسیر جوان، ج4، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی

10- رزاقی، رضا (1385)، فرزندپذیری (چاپ اول)، تهران: نشر سازمان بهزیستی کشور اداره کل روابط عمومی

11- رسولی، محمد (1386)، حقوق خانواده (چاپ اول)، تهران: آوای نور

12- سبحانی جعفر (1389)، فروغ ابدیت (چاپ بیست و نهم)، قم: موسسه بوستان کتاب

13- شریعتی نسب، صادق (1390)، فرزندخواندگی (چاپ اول)، تهران: ناشر موسسه مطالعات و پژوهشهای

حقوقی شهر دانش

14- طباطبایی، محمدحسین (1388)، تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی همدانی (چاپ 28)، ج16، قم:

انتشارات اسلامی

- 15- طباطبایی، محمدحسین (1344)، تفسیر المیزان، به قلم سید محمد خامنه (چاپ دوم)، قم: دارالعلم
- 16- طبرسی، ابوالفضل بن الحسن (1380)، مجمع البیان، ج 11، مترجم علی کرمی، تهران: انتشارات فراهانی
- 17- عالمی طامه، حسن (1391)، فرزندخواندگی در اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- 18- عمید، حسن (1389)، فرهنگ فارسی عمید، ج 1-2، تهران: پاریس
- 19- فاضل لنکرانی، محمد (1383)، جامع المسائل، ج 1، قم: انتشارات امیرالعلم
- 20- فیض کاشانی، محمدمحسن (1386)، تفسیر صافی (چاپ دوم)، مترجم جمعی از فضلاء با نظارت استادعقیقی بخشایشی، قم: ناشرنوید اسلام
- 21- قمی، علی ابن ابراهیم (1388)، ترجمه تفسیر قمی (چاپ اول)، ج 4، قم: ناشر بنی الزهراء
- 22- کاتوزیان، ناصر (1371)، حقوق مدنی خانواده، ج 2، تهران: انتشارات بهمن برنا
- 23- کاتوزیان، ناصر (1382)، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، تهران: نشر میزان
- 24- مصطفی شاکر، کمال (1386)، ترجمه خلاصه تفسیر المیزان، مترجم فاطمه مشایخ، تهران: انتشارات اسلام
- 25- مکارم، ناصر و همکاران (1372)، تفسیر نمونه (چاپ دهم)، ج 17-16-9، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه
- 26- هاشمی نیا، محمد باقر (1386)، دفاع از فقه و سیاست اسلامی (چاپ اول)، قم: انتشارات وثوق
- 27- هاشمی رفسنجانی، اکبر (1386)، تفسیر راهنما (چاپ چهاردهم)، ج 14، قم: موسسه بوستان کتاب

#### ب- مقالات

- 28- امامی، اسدالله (1387)، وضع حقوقی فرزند خواندگی در ایران، مجله پژوهش های فلسفی - کلامی، ش 2
- 29- حبیبی، تهمین (1381)، نقد فقهی کنوانسیون حقوق کودک، کتاب زنان فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ش 16، تهران
- 30- رحیمی، مرتضی (1388)، فرزندخواندگی در قرآن، فصلنامه قرآنی کوثر، ش 33

31- غریب، فهیمه (1383)، احکام فرزندخواندگی، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی